



3

Vol. 11
winter 2025

Research Paper

Received:
2025/11/03
Revised:
2025/12/05
Accepted:
2025/12/06
Published:
2025/12/22
P.P: 135-165

ISSN: 2783-1914
E-ISSN: 3092-7765



State Studies of Contemporary Iran

Scenario Building for Iran-Saudi Arabia Foreign Relations
Amidst Regional Developments in Southwest AsiaZahra Vlipoor¹ | Mohammad Yousefi jouibari ² | jalal dehghanifirozabadi ³ | Mohammad Ghorbani
golshanabad ⁴

Abstract

This study, employing a futurology approach, examines current and potential trends in the foreign relations between Iran and Saudi Arabia and their impact on developments in the West Asia region. By analyzing historical experiences, and political, economic, and security developments in both countries from the period of the Imposed War to contemporary times, this research utilizes scenario-based and matrix foresight methods to outline potential scenarios for bilateral relations and their regional repercussions. The findings indicate that Iran-Saudi relations are influenced not only by each country's internal developments and foreign policies but also decisively by the policies of extra-regional powers, economic and energy competition, geopolitical shifts, and security crises. By presenting three probable scenarios—escalation of tensions, continuation of controlled rivalry, and expansion of strategic cooperation—this paper analyzes the consequences of each scenario on the stability, security, and regional alliances in West Asia. The results demonstrate that the future of Iran-Saudi relations will directly impact the formation of alliances, energy and security competitions, and the geopolitical landscape of the region.

Keywords: Futurology Iran-Saudi Arabia Relations Probable Scenarios Trends Events Geopolitical Developments in West Asia.

1. Department of Political Science and International Relations, Aras International Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.
2. Department of Political Science and International Relations, (Corresponding author), Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran. Email: Mehrdad@iau.ir
3. Department of International Relations, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran.
4. Department of Islamic Studies, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Cite this Paper: Vlipoor, V; Yousefi jouibari, M; Ghorbani golshanabad, M (2025). Scenario Building for Iran-Saudi Arabia Foreign Relations Amidst Regional Developments in Southwest Asia. *State Studies of Contemporary Iran*, 4(11), 135–165.

Publisher: Imam Hussein University

© **Authors**



This article is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) (CC BY 4.0).



سناریونگاری روابط خارجی ایران و عربستان در خلال تحولات منطقه‌ای جنوب غرب آسیا

زهرا ولیپور^۱ | محمد یوسفی جویباری^۲ | سید جلال دهقانی فیروزآبادی^۳ | محمد قربانی گلشن آبادی^۴

چکیده

این نوشتار با رویکرد آینده‌پژوهی به بررسی روندهای جاری و محتمل در روابط خارجی ایران و عربستان سعودی و تأثیر آن بر تحولات منطقه غرب آسیا می‌پردازد. با تحلیل تجارب تاریخی، تحولات سیاسی-اقتصادی و امنیتی دو کشور از دوران جنگ تحمیلی تا دوره‌های معاصر، این مطالعه با استفاده از روش‌های آینده‌پژوهی سناریو محور و ماتریسی، سناریوهای احتمالی روابط دوجانبه و تأثیرات منطقه‌ای آن‌ها را ترسیم می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که روابط ایران و عربستان نه تنها تحت تأثیر تحولات داخلی و سیاست خارجی دو کشور است، بلکه سیاست‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای، رقابت اقتصادی و انرژی، تحولات ژئوپلیتیک و بحران‌های امنیتی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. این نوشتار با ارائه سه سناریوی محتمل، تشدید تنش‌ها، استمرار رقابت کنترل‌شده و گسترش همکاری استراتژیک به تحلیل پیامدهای هر سناریو بر ثبات، امنیت و اتحادهای منطقه‌ای غرب آسیا می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که آینده روابط ایران و عربستان، تأثیر مستقیم بر نحوه شکل‌گیری ائتلاف‌ها، رقابت‌های انرژی و امنیتی و چشم‌انداز ژئوپلیتیکی منطقه خواهد داشت.

کلیدواژه‌ها: آینده‌پژوهی، روابط ایران و عربستان، سناریوهای محتمل، روندها، رویدادها، تحولات ژئوپلیتیک غرب آسیا.

۱. گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد بین الملل ارس، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۲. گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، (نویسنده مسئول)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران.

Email: Mehrdad@iaui.ir

۳. گروه روابط بین الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۴. گروه معارف اسلامی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

استناد: ولیپور، زهرا؛ یوسفی جویباری، محمد؛ قربانی گلشن آباد، محمد، (۱۴۰۴). سناریونگاری روابط خارجی ایران و عربستان در خلال تحولات منطقه‌ای جنوب غرب آسیا، **دولت پژوهی ایران معاصر**، ۴(۱۱)، ۱۶۵-۱۳۵.



مقدمه و بیان مسئله

روابط ایران و عربستان سعودی، دو بازیگر کلیدی در منطقه غرب آسیا، از دیرباز تحت تأثیر عوامل سیاسی، اقتصادی، مذهبی و ژئوپلیتیکی بوده است. این روابط نه تنها برای دو کشور اهمیت راهبردی دارد، بلکه بر ثبات و امنیت منطقه‌ای و همچنین جریان انرژی جهانی تأثیرگذار است. از دوران جنگ تحمیلی ایران و عراق تا تحولات معاصر، روابط دو کشور تحت فشار رقابت‌های داخلی، تحولات منطقه‌ای و نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای قرار داشته است. با وجود دوره‌هایی از تنش و رقابت شدید، فرصت‌هایی برای همکاری محدود و تعامل دیپلماتیک نیز وجود داشته است. این پیچیدگی‌ها، همراه با تغییرات شتابان محیط منطقه‌ای و جهانی، ضرورت بهره‌گیری از رویکرد آینده‌پژوهانه برای تحلیل روندها و پیش‌بینی سناریوهای محتمل را برجسته می‌کند. آینده‌پژوهی به عنوان یک ابزار تحلیلی، امکان بررسی تعامل میان عوامل داخلی، سیاست خارجی و تأثیرات فرامنطقه‌ای را فراهم می‌سازد و می‌تواند چشم‌اندازهای محتمل روابط ایران و عربستان و پیامدهای آن بر تحولات غرب آسیا را شناسایی کند. هدف این نوشتار، ترسیم سناریوهای محتمل روابط ایران و عربستان، شناسایی عوامل مؤثر داخلی و خارجی و تحلیل پیامدهای آن‌ها بر امنیت، ثبات و اتحادهای منطقه‌ای است. با بهره‌گیری از تحلیل تاریخی، داده‌های سیاسی-اقتصادی و سناریوسازی سه‌گانه، این مطالعه تلاش می‌کند تا چارچوبی نظام‌مند برای فهم مسیر آینده روابط دو کشور ارائه دهد و به تصمیم‌گیرندگان و پژوهشگران کمک کند تا روندهای منطقه‌ای و بین‌المللی را بهتر پیش‌بینی کنند.

بررسی ادبیات تحقیق

در زمینه روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران و عربستان پژوهش‌های مختلف با برجسته کردن هر یک از این سطوح چندگانه، سعی در واکاوی روابط خارجی دو کشور داشته‌اند. در ادامه برخی از مهمترین ایت پژوهش‌های مورد اشاره قرار می‌گیرد:

جدول ۱. عنوان / توضیح مختصر

ردیف	نویسنده / نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	روش شناسی پژوهش	مهم ترین یافته ها و نتایج مرتبط با پژوهش
۱	عمادی (۱۴۰۰)	چشم انداز روابط آمریکا و عربستان سعودی در دوره ریاست جمهوری جو بایدن	کیفی و توصیفی - تحلیلی	عوامل تأثیرگذار بر روابط عربستان سعودی و آمریکا در سطوح داخلی، منطقه ای و بین المللی را مورد مطالعه قرار داده است.
۲	رکابیان و انگزی (۱۴۰۰)	تأثیر همگرایی و واگرایی جمهوری اسلامی ایران و عربستان بر سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران	کیفی و توصیفی - تحلیلی	در این تحقیق استدلال محوری آن است که روابط ایران و عربستان مبتنی بر تقابل و همکاری بوده است. رابطه ای که مکانیسم های آن با درگیری های ژئوپلیتیکی، جنگ های نیابتی، نفتی و ائتلاف سازی منطقه ای پیوند خورده است.
۳	فرجی (۱۳۹۹)	راهبردهای سیاست خارجی در وضعیت گذار قدرت: ایران و عربستان سعودی	کیفی و توصیفی - تحلیلی	در این تحقیق با بهره گیری از تئوری گذار قدرت، به تبیین راهبردهای سیاست خارجی در وضعیت گذار قدرت و در روابط ایران و عربستان سعودی پرداخته است.
۴	-Escobar, José, Gonzalo (2023)	عربستان سعودی و ایران در سایه جنگ منطقه ای	کیفی و توصیفی - تحلیلی	در این تحقیق نتیجه گیری می شود که علی رغم طایفه طولانی تنش میان روابط دو کشور در چند سال اخیر به خصوص از سال ۲۰۲۳ به بعد رویکرد واقعگرایانه بر دستگاه دیپلماسی دو کشور حاکم شده است که حتی شدیدترین تحولات منطقه نیز بر آن خدشه وارد نکرده است و نمایانگر بهبود و ارتقاء روابط در آینده را می دهد.
۵	Mabon (2019)	عربستان سعودی، ایران و مبارزه برای شکل دادن به خاورمیانه	کیفی و توصیفی - تحلیلی	در این تحقیق استدلال می شود که اختلافات ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک میان ایران و عربستان باعث فراز و نشیب روابط دو کور بوده و در عین حال روی کار آمدن ترامپ در کاخ سفید باعث ایجاد نزدیکی میان آمریکا و اسرائیل و فاصله گرفتن ایران و عربستان شده است که مانعی برای ایجاد روابط استراتژیک و بلند مدت میان دو کشور است.

ردیف	نویسنده / نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	روش شناسی پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
۶	Rachel Grumet (۲۰۲۵)	جنگ سرد خاورمیانه جدید: رقابت عربستان سعودی و ایران	کیفی و توصیفی - تحلیلی	بر اساس استدلال این تحقیق رقابت های استراتژیک و ژئوپلیتیکی عربستان و ایران است با رقابت مذهبی و ایدئولوژیکی پیچیده تر شده است زیرا تنش ها نشان دهنده اهداف که نماینده دو نظام سیاسی بسیار متفاوت هستند که البته به دلیل اینکه هیچکدام حاضر به شروع جنگی کلاسیک نیستند جنگی سرد میان دو کشور در جریان است که از طریق گروه های نیابتی صورت گرفته است.

در اغلب پژوهش‌های انجام شده بعد خاصی از روابط دو کشور مورد بررسی قرار گرفته اند برخی از آنها کوشیده اند عوامل واگرایی و همگرایی در ابعاد سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی روابط میان ایران و عربستان را به صورت جداگانه مورد بحث و بررسی قرار دهند. اما تاکنون تحقیق جامع و کاملی در خصوص سناریونگاری روابط خارجی میان ایران و عربستان با تمرکز و توجه به چشم انداز تحولات منطقه جنوب غرب آسیا صورت نگرفته است. پژوهش حاضر با سناریوپژوهی روابط خارجی ایران و عربستان می تواند گام مؤثری در جهت تولید ادبیات پژوهشی و تقویت نگاه راهبردی به مسائل دو کشور در چشم انداز آینده تحولات منطقه ای بردارد. از این منظر تحقیق کنونی را می توان بدیع و دارای نوآوری هم از حیث سناریونگاری و هم از حیث راهبردپژوهی به شمار آورد.

روش‌شناسی پژوهش

روش مورد استفاده در این تحقیق از نوع توصیفی و تحلیلی بوده و برای رسیدن به جمع بندی و توضیح مسائل مختلف موثر بر روابط میان جمهوری اسلامی ایران و عربستان و تحلیل دقیقتر موضوع و سناریوهای حاکم بر روابط دو کشور از روش آینده پژوهی استفاده شده است که در واقع این روش به منزله یک حوزه میان رشته ای، امکان شناسایی رویدادها و روندهای مؤثر در شکلگیری تحولات سیاسی و دستیابی به تصویر آینده را فراهم می کند. اگرچه همیشه «آینده

پژوهانی» وجود داشته اند که به آینده و شیوه های بهتر درک تغییر می اندیشیده اند، ولی زمان شکل گیری رشته آینده پژوهی که ماهیتی به شدت بینابینی دارد، در خلال جنگ جهانی دوم و دوران پس از آن بود. از آن پس در آمریکا و اروپا به عنوان رشته ای علمی وارد دانشگاه ها شد و تاکنون نیز روند تکامل و پیشرفت خود را طی کرده است. آینده پژوهی، دریچه ورود ما به آینده و معرفتی است که می توان از آینده قبل از رسیدن به آن داشت و می تواند توانایی انتخاب های هوشمندانه جامعه و مردم را افزایش دهد و به همگان اجازه می دهد تا بدانند که به کجاها می-توانند بروند (آینده های اکتشافی) به کجاها باید بروند (آینده های هنجاری) و از چه مسیرهایی می توانند با سهولت بیشتری به آینده های مطلوب خود برسند (آینده های معطوف به آینده سازی) در حقیقت آینده پژوهی دانش شکل دادن به آینده به گونه ای آگاهانه فعالانه و پیش دستانه است؛ همان دانش و معرفت سترگی که می تواند بذر رویاها، آرزوها و آرمان های نجیب و اصیل یک فرد، سازمان یا ملت را بارور کند (ملکی فر و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۴۱).

مبانی نظری واقع گرایی نئوکلاسیک

واقع گرایی نئوکلاسیک ترکیبی از واقع گرایی سنتی و واقع گرایی ساختاری است. رئالیسم نئوکلاسیک به عنوان یک مکتب فکری در داخل رئالیسم توسعه یافت تا متغیرهای سطح سیستمی و متغیرهای سطح واحدها (دولت ها) را در درون یک چارچوب تئوریک منسجم سازماندهی کند و بعد توضیحی رئالیسم را تقویت کند. رئالیسم نئوکلاسیک مبتنی بر فرضیه های رئالیسم است، از جمله اینکه دولت ها در محیط آناارشی به سر می برند و این محیط، دولت ها را به سمت کسب امتیاز و قدرت سوق می دهد. با این وجود برخلاف رئالیسم کلاسیک، تمرکز رئالیسم نئوکلاسیک تنها بر توزیع قدرت نیست. رئالیسم نئوکلاسیک به دنبال شناسایی راه هایی است که عوامل داخلی رفتار دولت ها را شکل می دهند. گیدئون رز استدلال می کند که "فضا و خواسته های سیاست خارجی کشورها در وهله اول از طریق موقعیت آنها در سیستم بین المللی و به ویژه امکانات و توانایی های مادی آنها تعیین می شود و به این خاطر است که آنها رئالیست هستند. با این وجود تأثیر چنین توانایی های قدرتی بر سیاست خارجی غیرمستقیم بوده و پیچیده است. برای اینکه فشارهای سیستماتیک باید از طریق متغیرهای مداخله گر که در سطح دولت ها وجود دارد ترجمه

شوند و به این خاطر است که آنها رئالیسم نئوکلاسیک را اتخاذ می‌کنند. (نیاکوئی و صفری، ۱۳۹۶: ۸-۸۷)

از پرسش‌ها و مسائل اساسی رئالیست‌های نئوکلاسیک این است که چرا، چگونه و تحت چه شرایطی مشخصه‌های داخلی دولت‌ها، ظرفیت استخراج و بسیج نهادهای سیاسی-نظامی، نفوذ بازیگران جامعه داخلی و گروه‌های ذینفع، درجه خودمختاری دولت از جامعه، سطح انسجام نخبگان یا جامعه به عنوان متغیرهای میانجی بین ارزیابی‌های رهبران از تهدیدات و فرصت‌های بین‌المللی و سیاست خارجی دولت‌ها عمل می‌کنند. به اعتقاد این دسته از نظریه پردازان در بلندمدت نتایج سیاسی بین‌المللی اغلب بازتاب دهنده توزیع قدرت واقعی در میان دولت‌هاست، اما در دوره زمانی کوتاه مدت تر سیاست خارجی دولت‌ها به ندرت بر اساس تحلیل‌های سیستمی صرف قابل پیش‌بینی است. از این رو این نظریه‌ها ضمن الهام گرفتن از بینش‌های نظری نئورئالیسم و جدی گرفتن عوامل سیستمی، به بینش‌های عملی رئالیسم کلاسیک در مورد سیاست خارجی و کشورداری نیز توجه کافی دارند. (اسدی، ۱۳۸۹: ۲۴۶)

تمرکز اصلی رئالیسم نئوکلاسیک برای تبیین تغییر در سیاست خارجی بر متغیرهای میانجی است. به گفته گیدئون رز از طریق این متغیرهای داخلی است که فشارهای ساختاری نظام بین‌المللی آنا‌رشی در داخل هر کشور ترجمه و پاسخ داده می‌شود. متغیر ادراک و برداشت تصمیم‌گیرندگان و متغیر ساختار و قدرت داخلی دولت، در بحث متغیر ساختار و قدرت داخلی دولت بر سه موضوع تأکید می‌شود. الف) رژیم سیاسی ب) ساختار داخلی ج) بروکراسی دولتی؛ مهمترین مولفه‌ها و فاکتورهای نظریه واقع‌گرایی نئوکلاسیک در عرصه تحلیل و بررسی تحولات روابط بین‌الملل است (نیاکوئی و صفری، ۱۳۹۶: ۲-۹۱)

کاربست نظریه رئالیسم نئوکلاسیک در تحلیل سیاست خارجی عربستان و ایران

از این رو چارچوب نظری رئالیسم نئوکلاسیک در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفت زیرا تحولات سیاست خارجی عربستان و ایران به شدت از مولفه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیر پذیرفته است زیرا عربستان به عنوان یک کشور مهم منطقه‌ای و حوزه نفوذ غرب به شدت از

جریان بین المللی قدرت تاثیر پذیرفته است؛ از طرفی نیز وضعیت داخلی در زمان صدارت ملک سلمان و محمد بن سلمان به شدت بر سیاست داخلی و خارجی عربستان به خصوص در مقابل ایران و رقابت ها و تعاملات منطقه ای این کشور تاثیر گذاشته است. از این رو می توان گفت وضعیت داخلی کشور و برخورداری از موقعیت اقتصادی و ژئوپلیتیکی و سیاسی دو کشور در داخل مرزهای تحت حاکمیتشان بر چگونگی شکل دادن به سیاست خارجی تاثیر گذارده و در کنار اهداف و منافع دو کشور نحوه برخورد با تحولات منطقه ای امری مهم بوده و با توجه به مولفه های خرد سبب شکل گیری رویکردی رقابتی میان دو کشور بوده است و از طرفی نیز در سطح کلان نحوه نگاه به غرب و شرق برای سیاست خارجی دو کشور و میزان و نوع تعاملات عربستان و ایران با آمریکا و روسیه نقش اساسی در معماری سیاست خارجی دو کشور در سه طلع داشته است که می توان از رهیافت رئالیسم نئوکلاسیک برای بررسی سطوح مختلف روندها و رویدادهای سیاست خارجی دو کشور که تعیین کننده پیشران های تحقیق می باشد استفاده نمود.

روندها و رویدادهای حاکم بر سیاست خارجی ایران و عربستان بعد از انقلاب اسلامی تا سال ۲۰۲۵

روندهای همگرایی نسبی در دوران ریاست جمهوری هاشمی و خاتمی

روابط دو کشور ایران و عربستان از ابتدای شکل گیری کشور مستقلى تحت عنوان عربستان سعودی در ابتدای قرن بیستم همواره با فراز و نشیب روبرو بوده است و در دوره های مختلف تحولات مختلفی را پشت سر گذارده است؛ با توجه به سرعت روندها و رویدادهای چند سال اخیر به دلیل طولانی بودن مطالب و اقتضاء تحقیق جداگانه برای این مسئله سعی شده است تحولات پس از جنگ تحمیلی و دوران روی کار آمدن دولت های هاشمی رفسنجانی موسوم به سازندگی تا سال ۱۴۰۳ مورد بررسی قرار می گیرد؛ وقوع برخی اتفاقات در اواخر دهه ۱۳۶۰، باعث تحول در رابطه ایران و عربستان شد. برخی معتقدند پایان جنگ ایران و عراق و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران، ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی، فروپاشی شوروی و حمله صدام به کویت از جمله اتفاقاتی بود که تأثیر بسزایی در روابط ایران و عربستان بر جای نهاد و تنش میان دو کشور را کاهش داد. حمله عراق به کویت و محکومیت این اقدام از سوی ایران، باعث بهبود رابطه با

اعراب به ویژه عربستان شد. در جریان اشغال کویت توسط عراق، در مرداد 1369، ایران و عربستان احساس کردند که با تهدیدهای منطقه‌ای همگونی مواجه اند. بنابراین همکاری آن‌ها افزایش یافت؛ چراکه عراق تهدید مشترک محسوب می‌شد و ایران و عربستان برای مقابله با آن نیاز به همکاری داشتند (فولر، ۱۳۷۳: ۱۱۳). بنابراین، می‌توان چنین گفت که در دوره هاشمی، عوامل ژئوپلیتیکی به صورتی بود که نه تنها مانع رقابت منطقه‌ای ایران و عربستان می‌شد، بلکه حتی باعث نزدیکی دو کشور شد. برخی پژوهشگران با توجه به نقش کارگزار در روابط میان ایران و عربستان، به تغییر در سطوح بالای دولتی و حاکمیتی دو کشور در اواسط دهه ۱۹۹۰ م اشاره کرده‌اند و آن را باعث ایجاد تحول در رابطه میان دو کشور م‌یدانند. آن‌ها معتقدند ملک عبدالله در عربستان و سیدمحمد خاتمی در ایران تصمیم گرفتند با تعدیل رابطه میان دو کشور موقعیت داخلی خود را تثبیت کنند. یکی از توافقات میان دو کشور در این دوره، همکاری برای جلوگیری از کاهش بهای نفت بود. در شرایطی که در مارس ۱۹۹۸ م قیمت نفت به ۱۳ دلار که پایسترتین قیمت در یک دهه بود رسید، با توافق ایران و عربستان بهای نفت افزایش یافت (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۴: ۴۷) همچنین، در پی سفر خاتمی به عربستان، روابط سیاسی، فرهنگی، امنیتی و... گسترش یافت و در همان سال، پادشاه عربستان از کشورهای عرب خلیج فارس خواست رابطه با ایران را بهبود دهند. اما شاید مه‌ترین توافق در تاریخ روابط میان ایران و عربستان، امضای توافقنامه امنیتی بود که در این دوره به دست آمد و در تاریخ روابط دو کشور بی‌نظیر بود. حتی حادثه ۱۱ سپتامبر، در آغاز باعث تیرگی روابط عربستان و آمریکا و نزدیکی بیشتر ایران و عربستان سعودی شد (ساعی و علیخانی، ۱۳۹۲: ۱۱۷). در این دوره، وقتی احتمال حمله مستقیم آمریکا به ایران زیاد بود، عربستان به دلیل حسن نیت، ایران را از جزئیات طرح حمله احتمالی باخبر کرد. اما بهبود روابط ایران و عربستان، در ابتدای این دوره، نه به دلیل عامل کارگزار، بلکه به دلیل عدم وقوع حوادثی بود که بخواهد ژئوپلیتیک منطقه و منافع طرفین را دس تخوش تغییر کند؛ چنانکه در دو سال پایانی دوره خاتمی دوباره اتفاقاتی در جغرافیای منطقه روی داد که باعث تغییر روابط حسنه میان ایران و عربستان شد. تهاجم آمریکا به عراق و سقوط صدام مه‌ترین اتفاقی بود که باعث تسهیل نفوذ ایران در منطقه و به خصوص در سوریه و جنوب لبنان شد و با برگزاری انتخابات در عراق، شیعیان که با ایران در ارتباط هستند، به قدرت رسیدند.

سقوط صدام، از یکسو، عراق را از مثلث رقابت منطقه خلیج فارس خارج کرد و از سوی دیگر، این کشور را به میدانی جدید برای رقابت میان ایران، آمریکا و عربستان سعودی بدل کرد و به افزایش نقش و موقعیت ایران در این کشور و منطقه خلیج فارس منجر شد. پس، از نظر عربستان، ایران ذینفع اصلی حذف صدام بود. همچنین چالش بر سر پرونده هسته ای ایران و حضور نظامی آمریکا در منطقه، زمینه را برای بازگشت مجدد ایران و عربستان به رقابت ژئوپلیتیک و در نتیجه تضاد و تقابل بیشتر دو کشور در آینده فراهم کرد (بیات و اسلامی، ۱۳۹۷: ۱۷۵).

روی کار آمدن محمود احمدی نژاد و تقابل ایدئولوژیک و ژئوپلیتیکی ایران و عربستان

دوره ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد هم زمان با تحولات بنیادینی در نظم منطقه ای خاورمیانه بود. پس از حمله آمریکا به عراق و سقوط صدام، و نیز در پی وقوع انقلاب های عربی، رقابت ایران و عربستان سعودی برای پر کردن خلأ قدرت در منطقه وارد مرحله ای جدید شد (Gause, 2014). احمدی نژاد با اتخاذ رویکردی تهاجمی و منطقه گرا، تلاش کرد ایران را به عنوان رهبر جهان اسلام معرفی کند، امری که با مقاومت عربستان مواجه شد. افزون بر این، نگاه احمدی نژاد به سیاست خارجی بر مبنای صدور انقلاب و حمایت از جنبش های مقاومت در برابر غرب و اسرائیل استوار بود؛ در مقابل، عربستان سعودی که پیوندهای راهبردی با ایالات متحده داشت، از ثبات و نظم موجود در منطقه دفاع می کرد. با روی کار آمدن محمود احمدی نژاد در سال ۲۰۰۵، ایران با تمرکز بر «مقاومت اسلامی» تلاش کرد نقش خود را به عنوان پیشواز مبارزه با نفوذ غرب و اسرائیل در منطقه تثبیت کند (Ehteshami & Zweiri, 2007) این رویکرد با حمایت از بازیگران غیردولتی مانند حزب الله لبنان، حماس، و شبه نظامیان شیعه در عراق تقویت شد. در مقابل، عربستان سعودی با احساس تهدید از گسترش نفوذ ایران، تلاش کرد با تقویت گروه های سنی و هم پیمانی با ایالات متحده، موازنه را برقرار کند (Gause, 2014). همکاری در قالب اجلاس های منطقه ای ایران و عربستان در برخی نشست های منطقه ای، از جمله نشست های امنیتی بغداد (۲۰۰۶ و ۲۰۰۷)، حضور یافتند. در این نشست ها تلاش هایی برای ایجاد سازوکار امنیتی منطقه ای انجام شد. با این حال، نگاه واگرایانه به آینده عراق باعث شد که

توافقات عملی نشوند. همچنین، نقش آمریکا در حمایت از عربستان و رویکرد امنیتی ایران نسبت به حضور نظامی ایالات متحده در خلیج فارس باعث شد همکاری‌ها به سطح بیانیه‌های دیپلماتیک محدود باقی بماند. اختلاف در تعریف تهدیدهای امنیتی، یکی از موانع اصلی پیشبرد دیپلماسی امنیتی میان تهران و ریاض بود.

مسئله مهم دیگر که در این دوره بسیار تاثیرگذار بود بروز بحران و جنگ داخلی در سوریه بود که به عنوان یکی از پایه‌های محور مقاومت شناخته می‌شد؛ بحران سوریه و رقابت نیابتی جنگ داخلی سوریه که در سال ۲۰۱۱ شروع شد به یکی از کانون‌های اصلی درگیری نیابتی ایران و عربستان بدل شد. ایران با اعزام نیروهای نظامی و حمایت کامل از بشار اسد، نقشی اساسی در تثبیت دولت سوریه ایفا کرد، در حالی که عربستان با حمایت مالی و تسلیحاتی از گروه‌های مخالف، خواستار سرنگونی اسد بود. این تضاد منجر به تعمیق خصومت و تقابل منطقه‌ای شد. در این دوره با وجود تقابل سیاسی، ایران توانست با استفاده از نفوذ خود در گروه‌های منطقه‌ای و توان موشکی، جایگاه خود را در منطقه حفظ کند. عربستان نیز با اتکا به قدرت نظامی و حمایت آمریکا، تلاش کرد موازنه قدرت را به نفع خود مدیریت کند. تحلیلگران غربی معتقدند که این دوره شاهد تشدید رقابت ژئوپلیتیک و محدود شدن فرصت همکاری اقتصادی و امنیتی بود. (Blanchard, 2010, p.32)

فراز و نشیب روند سیاست خارجی ایران و عربستان در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی

بعد از انتخاب حسن روحانی به عنوان یازدهمین ریاست جمهوری اسلامی ایران، رهبران عربستان سعودی از جمله عبدالله بن عبدالعزيز پادشاه وقت عربستان سعودی از جمله اولین رهبران جهان بود که به دولت روحانی تبریک گفت و حسن روحانی نیز ابراز امیدواری کرد که روابط همگرایانه و صمیمی میان دو کشور مسلمان در این دوران برقرار و این امر باعث بازگشت آرامش به منطقه شود؛ روحانی در نخستین نشست خبری خود بعد از پیروزی در انتخابات در ۲۷ خرداد ۱۳۹۲ انجام شد عربستانی‌ها را برادر خود خواند و از روابط سیاسی با این کشور استقبال کرد (علی اکبرپور و کشیشیان سیرکی، ۱۳۹۹: ۲۴۷).

با این حال شدت تنشها از دوره احمدی نژاد میان ایران و عربستان به اندازه ای بود که حتی روی کار آمدن حسن روحانی نیز با دیدگاه تعاملی وی در خصوص سیاست خارجی نتوانست از دامنه تنش های بین تهران و ریاض بکاهد؛ به گونه ای که شاهد سرایت این تنشها از حوزه های سیاسی و نظامی به حوزه اقتصادی و بحث نفت شد. جلوگیری عربستان از کاهش تولید نفت اوپک به کاهش بیش از ۵۰ درصدی قیمت نفت طی مدت کوتاهی شد ایرنا ۶ بهمن ۱۳۹۳ این اقدام در وضعیتی که ایران از سوی غرب تحریم بود باعث فشار بر دولت روحانی شد. با این حال، روند آتی تحولات نیز زمینه را برای برخوردهای شدیدتر فراهم نمود و در نتیجه آن قطع کامل روابط دیپلماتیک از سوی عربستان را بار آورد. در راستای بحث فوق، روند تحولات به این شکل بود که در ۲ ژانویه سال ۲۰۱۶، ۴۷ نفر در چندین شهر سعودی از جمله روحانی برجسته شیعه نمر النمر اعدام شدند. جمعیت های غالباً شیعی در کشورهای مختلف به اعدام ها با تظاهرات واکنش نشان دادند. معترضین در همان روزه سرانجام معترضین در تهران نیز سفارت عربستان سعودی را به آتش کشیدند؛ عربستان در واکنش به تسخیر سفارتاین کشور به همراه دولت های متحد خود یعنی، بحرین، سودان جیبوتی، سومالی و کومور روابط دیپلماتیک را با ایران قطع کردند. وزارت امور خارجه ایران در پاسخ به اقدامات سعودی ها، آنها را به تشدید تنش ناشی از این بحران متهم کرده بود. این سرآغاز دور جدیدی از تنش میان ایران و عربستان بوده که در خود را در روندها و رویدادهای مختلفی نشان داد که فراز و فرودهای این دوران و دوران بعدی را نیز در پی داشت. یکی از مهم ترین تغییراتدر این دوره، بازتعریف گفتمان سیاست خارجی ایران از شعارهای ایدئولوژیک به تعامل عمل گرایانه بود. دولت روحانی سعی کرد از طریق مذاکرات منطقه ای و توافقات بین المللی، اختلافات با عربستان را به حداقل برساند. به عنوان مثال، تلاش برای کاهش تنش در عراق و لبنان، و همکاری در مسائل انرژی و امنیت منطقه ای، بخشی از این استراتژی بود. (Katzman, 2019, p.18)

به هر ترتیب و فارغ از کاهش شدید روابط دو کشور بعد از اشغال کنسولگری عربستان در مشهد و به محاق رفتن روابط دو کشور در ابتدای روی کار آمدن روحانی اقداماتی چند در جهت کاهش تنش میان دو کشور و در عین حال تاثیرگذاری بر تحولات منطقه صورت گرفت که از پیچیده تر شدن و تخاصم میان روابط خارجی دو کشور جلوگیری کرد و اینگونه زمینه برای تحولات بعدی در دولت شهید ابراهیم رئیسی مهیا شد.

روی کار آمدن ابراهیم رئیسی و کاهش تنش‌ها میان روابط دو کشور

در دوره ریاست جمهوری سید ابراهیم رئیسی (۱۴۰۰-۱۴۰۳)، سیاست خارجی ایران با تأکید بر اصول انقلاب اسلامی، تقویت روابط با قدرت‌های شرقی مانند چین و روسیه، و تلاش برای کاهش تنش‌ها در منطقه خاورمیانه، به‌ویژه در روابط با عربستان سعودی، تداوم یافت. این رویکرد، که با شعار «نگاه به شرق» همراه بود، به‌منظور مقابله با فشارهای اقتصادی و سیاسی غرب و تقویت جایگاه ایران در معادلات منطقه‌ای و جهانی طراحی شد.

در مارس ۲۰۲۳ (اسفند ۱۴۰۱)، ایران و عربستان سعودی پس از هفت سال قطع روابط دیپلماتیک، با میانجی‌گری چین به توافقی برای ازسرگیری روابط دست یافتند. این توافق، که در پکن امضا شد، شامل بازگشایی سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، و احترام به حاکمیت ملی بود. اگرچه این توافق گام مهمی در کاهش تنش‌ها بود، اما چالش‌هایی مانند حساسیت‌های مذهبی و رقابت‌های منطقه‌ای همچنان باقی ماند.

در عراق، ایران با حفظ روابط نزدیک با گروه‌های شیعه و احزاب سیاسی، نفوذ خود را تقویت کرد. همزمان، تلاش‌هایی برای کاهش تنش‌ها با عربستان و دیگر کشورهای عربی انجام شد تا از تشدید بحران‌های داخلی جلوگیری شود. همچنین در لبنان، حمایت ایران از حزب الله ادامه یافت، اما با تأکید بر دیپلماسی و همکاری‌های اقتصادی، سعی شد تا از تشدید بحران‌های داخلی و رقابت‌های فرقه‌ای کاسته شود. در بحرین و دیگر کشورهای خلیج فارس، ایران با حفظ حمایت از جمعیت شیعه، تلاش کرد تا از طریق دیپلماسی و کاهش تنش‌ها، روابط خود را با این کشورها بهبود بخشد و از تشدید بحران‌ها جلوگیری کند. دولت رئیسی با تداوم سیاست‌های قبلی و تمرکز بر تقویت روابط با قدرت‌های شرقی و کاهش تنش‌ها در منطقه، سعی کرد جایگاه ایران را در معادلات منطقه‌ای و جهانی حفظ کند. اگرچه توافق با عربستان سعودی گامی مثبت در کاهش تنش‌ها بود، اما چالش‌های موجود در روابط با کشورهای عربی همچنان ادامه یافت. (Nasr, 2025, p: 134)

روند مواجهه با جنبش‌های موسوم به بیداری اسلامی

با شروع تحولات موسوم به بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا دولت عربستان سعودی به دلیل ساخت استبدادی آن به شدت با این تحولات به مخالفت پرداخت و در مقابل

جمهوری اسلامی ایران با برداشت اسلامگرایانه از این تحولات به حمایت از اکثر آنها پرداخت و این امر موجب جبهه گیری دو کشور در در سمت متفاوت شد؛ بر این اساس عربستان به دست به اقدامات مختلفی از جمله دخالت مستقیم و غیرمستقیم نظامی و امنیتی در کشور بحرین و یمن که به عنوان دو همسایه کشور عربستان در شرف انقلاب بودند زد؛ اینگونه دخالت ها به نوعی با چراغ سبز آمریکا همراه بوده است و از این اقدامات ضدانقلابی دولت عربستان تلویحاً و آشکارا حمایت کرده اند، زیرا از طرفی انقلاب در کشورهای همسایه عربستان که البته در این کشورها جمعیت شیعیان نیز بسیار قابل توجه می باشد برای متحد آمریکا در منطقه زنگ خطر است و از طرف دیگر با موفقیت انقلاب در این کشورها امنیت تولید و عرضه انرژی ارزان ممکن است به مخاطره افتد؛ از این رو است که ما شاهد همصدایی عربستان و آمریکا با حاکمان دست نشانده یمن و بحرین در سرکوب مردم انقلابی هستیم؛ در کنار این عوامل می توان حمایت ایران از حرکت های انقلابی در کشور یمن و بحرین را عاملی دیگر در همگرایی آمریکا و عربستان در موضع گیری نسبت به بیداری اسلامی در منطقه برشمرد (کوهکن و تجری، ۱۳۹۳، ۶۴).

بر همین اساس پس از وقوع تحولات انقلابی در سوریه عربستان به طور کامل از مخالفان اسد حمایت نمود و از طرف مقابل به دلیل جایگاه خاص سوریه در محور مقاومت جمهوری اسلامی ایران نیز به شدت از دولت بشار اسد حمایت نمود و این امر سبب شکل گیری تقابل میان سیاست خارجی دو کشور در منطقه برای تاثیرگذاری بر این منطقه بود؛ عربستان سعودی نزدیکی گروه های مقاومت به خصوص سوریه به ایران را به منزله بر هم خوردن تعادل موازنه منطقه ای و تهدیدی علیه خود می داند. از همین رو، این کشور با آغاز ناآرامی ها در سوریه و در هماهنگی با طرح غربی - عربی تلاش می کرد تا موقعیت ایران را در سوریه تضعیف کند. به همین دلیل عربستان برای محدودسازی قدرت ایران و ایجاد تغییر در موازنه منطقه ای از مخالفین نظام سوریه و سلفی جدیدها حمایت می کرد (نجات و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۴۶).

با همین استدلال ریاض ناآرامی های بحرین را یک توطئه ایرانی - شیعی، علیه خاندان آل خلیف و وهابی گری عربستان سعودی قلمداد کرد. عربستان بر اساس رقابت منطقه ای با ایران، حفظ بحرین را مساوی حفظ منطقه خلیج فارس و حتی جهان عرب می داند و شکست یا پیروزی آل خلیفه را شکست یا پیروزی خود می پندارد. در همین راستا بعضی از مقامات سعودی حوادث

اخیر در بحرین را آغاز جنگ سردی جدید بین ایران و عربستان اعلام می نمایند. آنها حوادث بحرین را توطئه ای صفویه ای، ایرانی و شیعی برای کنترل جهان عرب عنوان می کنند (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۳۴).

در مورد میدان یمن و تقابل عربستان با جمهوری اسلامی ایران باید گفت وجود شمار قابل توجهی از شیعیان در یمن و تأثیرپذیری فرهنگی سیاسی آنها از ایران یکی از دغدغه‌های عربستان سعودی است. بر این اساس جلوگیری از قدرت‌یابی شیعیان از مهم‌ترین اولویت‌های استراتژیک عربستان در بحران اخیر یمن بوده است. در همین راستا، فرید زکریا می گوید: «آنچه سعودی‌ها را به حملات علیه یمن کشاند این است که آنها دولتی شیعی در یمن نمی خواهند». به تعبیر دیگر، عربستان سعودی دولت شیعی در یمن را مشکلی بزرگ برای رژیم خود می بیند. عربستان سعودی برای حفظ قدرت و برتری گروه‌های سنی مذهب بر گروه‌های شیعه در سطح منطقه‌ای، تاکنون میلیارد‌ها دلار هزینه کرده است. در حال حاضر تیز علی رغم بهبود روابط دو کشور سعودی‌ها تمام تلاش خود را معطوف این مسئله کرده‌اند تا از تبدیل شدن انصار الله به مدلی مانند الگویی حزب الله لبنان جلوگیری کنند (Escobar and Gonzalo, 2023: 2-3).

روند همگرایی سیاست خارجی ایران و عربستان سال ۲۰۲۳ بر پایه منافع ژئوپلیتیکی مشترک

در چند سال اخیر به خصوص بعد از تنش‌های بسیار شدید در روابط دو کشور ایران و عربستان تحولات منطقه ای و بین المللی عظیمی نیز بر منطق سیاست خارجی کشورها حاکم شده است به طوری که با بروز تحولاتی ناشی از بهار عربی و کاهش حضور آمریکا در منطقه و همچنین تقویت جایگاه چین در برنامه های اقتصادی منطقه، سیاست خارجی دو کشور ایران و عربستان به نتایج منطقی بسیار مهمی دست یافته اند که سبب کاسته شدن از تنش ها و واگرایی دو کشور شده است به نوعی که دو کشور به این نتیجه رسیده اند که برای ارتقاء جایگاه منطقه ای و فرامنطقه ای می بایست ابتدا این ثبات در روابط منطقه ای ایجاد شود و هر دو کشور با اشراف بر جایگاه و نقش یکدیگر و وزن ژئوپلیتیکی یکدیگر در پی بازسازی روابط میان دو کشور برآمده اند؛ از یک طرف استلزامات اقتصادی و نیازهای روزافزون دو کشور به ارتباط با بازارهای جهانی

فروش نفت و همچنین همکاری های گسترده و بلند مدت با قدرت نوظهور چین برای به عنوان وزنه ای در تعدیل نفوذ آمریکا در منطقه و همچنین تکیه بر ایجاد ترتیبات و اتحادهای امنیتی درون منطقه ای با محوریت دو کشور زمینه های بسیار مهمی برای همگرایی ایجاد کرده است و این امر باعث شد که در دو سال اخیر با میانجی گری عربستان و عمان دو کشور روند بهبود روابط را تجربه کنند (Mabon, 2019, p: 32) و پس از چند سال تشنج در روابط خارجی در سال ۲۰۲۳ روابط دو کشور بهبود پیدا کرد و چشم انداز مثبتی از این همگرایی در زمینه های اقتصادی و سیاسی قابل مشاهده است که در آینده این روندها باعث بروز رویدادهای مهمی خواهد شد. پس از توافق ایران و عربستان برای از سرگیری روابط دیپلماتیک در مارس ۲۰۲۳، دو کشور تلاش کرده اند تا زمینه های مشترک ژئوپلیتیکی را شناسایی کرده و از تنش های پیشین بکاهند. روابط ایران و عربستان سعودی به دلیل رقابتهای مذهبی، سیاسی و امنیتی، برای دهه ها پرتنش بوده است. اما در مارس ۲۰۲۳، با میانجی گری چین، دو کشور تصمیم به بازسازی روابط گرفتند. این تغییر، در جدیدی به سوی همکاری های منطقه ای گشود و فرصتی برای تعریف منافع مشترک ژئوپلیتیکی فراهم کرد (اختیاری امیری و کلهری، ۱۴۰۳: ۲۳۱).

ثبات منطقه ای و کاهش درگیری های نیابتی

از مهمترین اهداف این همگرایی، کاهش درگیری های نیابتی در یمن، سوریه و لبنان بوده است. تعهد ایران به توقف حمایت نظامی از حوثی ها و استقبال عربستان از این رویکرد، می تواند زمینه ساز پایان جنگ یمن باشد. هر دو کشور همچنین تأکید کرده اند که به حاکمیت و تمامیت ارضی کشورهای منطقه احترام خواهند گذاشت بر این اساس یک بار دیگر شاهد آن هستیم که انتخاب نوع نگاه واقع بینانه به سیاست خارجی از طرف رهبران دو کشور سبب خوردن فصل جدیدی از ثبات و بهبود روابط میان دو کشور و همچنین در منطقه باشیم و این امر حاکی از جایگاه بسیار مهم و استراتژیک دو کشور در منطقه و حتی جهان می باشد که بارها به اثبات رسیده است و در نهایت این نزدیکی روابط می تواند منجر به تقویت همکاری های مختلف و همچنین افزایش امنیت منطقه ای شود (Escobar and Gonzalo, 2023: 4).

همکاری در حوزه انرژی و انرژی هشته ای صلح آمیز

ایران و عربستان، به عنوان دو صادرکننده اصلی نفت، در چارچوب اوپک منافع مشترکی در تثبیت بازار انرژی دارند. همکاری این دو کشور می تواند از نوسانات شدید قیمت نفت جلوگیری کند و موجب هم افزایی در حوزه سرمایه گذاری زیرساختی شود (Rachel Grumet, 2015: 83-76)؛ در مه ۲۰۲۵، ایران پیشنهاد تأسیس کنسرسیومی برای غنی سازی مشترک اورانیوم را با مشارکت عربستان و امارات مطرح کرد. این اقدام می تواند اعتمادسازی هسته ای در سطح منطقه ای را تقویت کرده و زمینه ساز همکاری های فناورانه باشد (Escobar and Gonzalo, 2023: 5).

عضویت مشترک در ائتلاف های اقتصادی نوظهور و کاهش وابستگی به نیروهای خارجی

ورود همزمان ایران و عربستان به گروه اقتصادی بریکس در سال ۲۰۲۴، بستری برای توسعه همکاری های اقتصادی میان دو کشور فراهم کرده است. این همکاری می تواند به هماهنگی در سیاست های کلان اقتصادی و افزایش قدرت چانه زنی آنها در نهادهای بین المللی منجر شود. تقویت روابط دوجانبه میان ایران و عربستان میتواند نقش قدرتهای خارجی، به ویژه ایالات متحده، را در معادلات منطقه ای کمرنگتر کند. افزایش هماهنگی امنیتی و اقتصادی درون منطقه ای از اصلی ترین دستاوردهای این روند همگرایی است (Tehran Times, ۲۰۲۳, p:2) همگرایی ایران و عربستان در سال ۲۰۲۳، نقطه عطفی در روابط دو کشور و نظم امنیتی خاورمیانه محسوب می شود. منافع مشترک ژئوپلیتیکی، از ثبات امنیتی تا همکاری های اقتصادی، نشان می دهد که آینده روابط تهران-ریاض می تواند با تداوم دیپلماسی سازنده، به سود کل منطقه باشد (Crisis Group, ۲۰۲۳, p:7).

نتیجه گیری

تحلیل روندهای تاریخی و معاصر روابط ایران و عربستان نشان می دهد که تعاملات دوجانبه تحت تأثیر عوامل داخلی، منطقه ای و فرامنطقه ای شکل گرفته و تحولات مهمی در امنیت و ثبات غرب آسیا ایجاد کرده است. در سطح داخلی، رقابت جناح های سیاسی، تغییر دولت ها، سیاست های اقتصادی و اجتماعی و ظرفیت دیپلماسی داخلی نقش تعیین کننده ای در انعطاف پذیری

یا تنش‌زایی روابط داشته‌اند. در سطح منطقه‌ای، بحران‌های یمن و سوریه، رقابت نفوذ در عراق و لبنان، و رقابت انرژی و امنیتی، محورهای اصلی رقابت و تعامل ایران و عربستان بوده‌اند. از منظر فرمانطقه‌ای، سیاست‌های آمریکا، اروپا و نقش چین و روسیه به‌ویژه در دوره‌های ترامپ و اوباما، مسیر روابط دو کشور را به‌طور مستقیم و غیرمستقیم شکل داده است.

با تکیه بر یافته‌های حاصل از ماتریس‌های تحلیل اثرات متقابل روندها و رویدادها، سناریوهای چهارگانه (مطلوب، محتمل، مرجح از دید ایران، و نامطلوب) طراحی شده و متناسب با هر یک، راهبردهای تجویزی و اقدامات اجرایی پیشنهاد شده است. این برنامه‌ریزی سناریویی نه‌تنها به تصمیم‌سازان کمک می‌کند تا برای آینده‌های ممکن آماده شوند، بلکه امکان بهره‌برداری فعال از فرصت‌ها و کاهش تهدیدها را نیز فراهم می‌آورد.

ماتریس‌های سه‌گانه روندها و رویدادها و تحلیل خروجی ماتریس‌ها

برون‌یابی و پایش روندها و رویدادها در روابط ایران و عربستان

۱. برون‌یابی^۱: فرآیند تحلیل روندهای گذشته و حال برای پیش‌بینی مسیر احتمالی آن‌ها در آینده. برون‌یابی یکی از روش‌های کلیدی آینده‌پژوهی است که بر فرض تداوم روندها استوار است.
۲. پایش روندها^۲: شناسایی، رصد و تحلیل منظم روندهای کلیدی که می‌توانند روابط ایران و عربستان را در میان‌مدت یا بلندمدت تحت تأثیر قرار دهند.
۳. پایش رویدادها^۳: تمرکز بر وقایع ناگهانی، بحران‌ها یا تحولات نقطه‌ای که می‌توانند به‌طور ناگهانی جهت یک روند را تغییر دهند یا شوک‌های ژئوپلیتیکی ایجاد کنند.

الف) شناسایی روندهای مؤثر در روابط ایران و عربستان

۱. روندهای ژئوپلیتیکی

تداوم محتمل	جهت حرکت در ۵ سال اخیر	روند
احتمال زیاد ادامه دارد	رو به افزایش	کاهش نفوذ آمریکا در منطقه
با قدرت ادامه دارد	رو به رشد	موازنه‌سازی با ورود چین و روسیه

1 - Extrapolation

2 - Monitoring of Trends

3 - Monitoring of Events

تداوم محتمل	جهت حرکت در ۵ سال اخیر	روند
وابسته به آینده فلسطین و ایران است	پرشتاب	افزایش همکاری کشورهای خلیج فارس با اسرائیل

برون‌یابی: کاهش نقش آمریکا، فضا را برای بازیگران منطقه‌ای مثل ایران و عربستان بازتر کرده و رقابت یا همکاری این دو می‌تواند تعیین کننده نظم امنیتی خلیج فارس شود.

۲. روندهای اقتصادی

تداوم محتمل	جهت حرکت	روند
پایدار ولی شکننده	رو به رشد	تنوع بخشی به اقتصاد نفتی (چشم انداز ۲۰۳۰)
بلندمدت اما قطعی	تدریجی	کاهش وابستگی جهانی به نفت
وابسته به سیاست آمریکا و اروپا	تداوم	تحریم های بلندمدت علیه ایران

۳. روندهای فرهنگی-اجتماعی

تداوم محتمل	جهت حرکت	روند
وابسته به پادشاهی محمد بن سلمان	سریع و گسترده	باز شدن فضای اجتماعی عربستان
ادامه دار	پیوسته	افزایش سطح سواد و آگاهی عمومی
در حال تثبیت	تدریجی	تغییر نقش روحانیت در ساختار سیاسی عربستان

ب) پایش رویدادهای کلیدی (نقاط گسست احتمالی)

امکان وقوع	نوع تأثیر	رویداد
متوسط	پرریسک	فروپاشی یا گذار قدرت در عربستان
متوسط به بالا	کاهش تنش با غرب	بازگشت ایران به برجام یا توافق جدید
بالا	افزایش تنش محور مقاومت	جنگ گسترده میان اسرائیل و

امکان وقوع	نوع تأثیر	رویداد
		حزب الله/غزه
متوسط	تغییر اولویت سیاست خارجی	بحران اقتصادی در ایران یا عربستان
بالا	برهم زدن موازنه منطقه‌ای	نزدیکی استراتژیک چین به یکی از دو کشور

ماتریس تأثیر متقابل روندها در روابط ایران و عربستان

جدول کدگذاری روندها (R1 تا R8)

توضیح	عنوان روند	کد روند
با تمرکز آمریکا بر شرق آسیا و کاهش هزینه‌های نظامی در خاورمیانه، فضای بیشتری برای بازیگران منطقه‌ای مثل ایران و عربستان فراهم شده است.	کاهش نفوذ آمریکا در منطقه	R1
این دو کشور در حال پر کردن خلأ قدرت در منطقه هستند، به‌ویژه چین با میانجی‌گری صلح بین ایران و عربستان (توافق ۲۰۲۳)	افزایش نقش چین و روسیه	R2
در چارچوب عادی‌سازی روابط با اسرائیل (نظیر توافق ابراهیم)، عربستان به دنبال نزدیکی به تل‌آویو است که برای ایران تهدید تلقی می‌شود.	افزایش همکاری عربستان با اسرائیل	R3
برنامه نوسازی اقتصادی عربستان برای موفقیت، نیازمند کاهش تنش در منطقه و روابط باثبات با همسایگان است.	چشم‌انداز ۲۰۳۰ و نیاز عربستان به ثبات منطقه‌ای	R4
استمرار تحریم‌ها، ایران را به سمت	تحریم‌های بلندمدت ایران	R5

توضیح	عنوان روند	کد روند
شرکای شرقی سوق داده و بر سیاست منطقه‌ای آن تأثیرگذار است.		
دولت سعودی در تلاش است نقش نهادهای مذهبی را کاهش دهد و ساختار حکمرانی را سکولارتر کند که ممکن است از تنش‌های ایدئولوژیک بکاهد.	تضعیف بنیادگرایی مذهبی در عربستان	R6
با گسترش شبکه‌های اجتماعی و اینترنت، فشار افکار عمومی بر سیاست‌گذاران منطقه‌ای در حال افزایش است.	افزایش نقش افکار عمومی و رسانه‌ها	R7
افزایش نقش چین، عراق، قطر و عمان در کاهش تنش و تسهیل گفتگوهای منطقه‌ای، باعث شکل‌گیری کانال‌های حل منازعه شده است.	رشد همکاری‌های دیپلماتیک و نقش میانجی‌گران	R8

ماتریس تأثیر متقابل روندها^۱

این ماتریس ارزیابی می‌کند که هر روند (R) چه تأثیری بر سایر روندها دارد و بالعکس. سطرها روندهای تأثیرگذار و ستون‌ها روندهای تأثیرپذیر هستند. مقادیر درون سلول‌ها از ۰ تا ۳ متغیر است:

۰- : بدون تأثیر

۱- : تأثیر ضعیف

۲- : تأثیر متوسط

۳- : تأثیر قوی

مثلاً مقدار ۳ در سطر R1 و ستون R2 نشان می‌دهد که کاهش نفوذ آمریکا تأثیر قوی بر افزایش نقش چین و روسیه دارد.

جدول تحلیل نوع روندها

توضیح	نوع روند	تأثیرپذیری کل	تأثیرگذاری کل	کد
روندی با قدرت تأثیر زیاد و تأثیرپذیری نسبتاً کم	محرک کلیدی	12	14	R1
هم‌زمان هم تأثیرگذار و هم تأثیرپذیر بالا دارد	متقابل کلیدی	16	15	R2
تأثیر متقابل متوسط، بدون برجستگی خاص	هم‌وابسته	12	12	R3
بیشترین تأثیرگذاری را در کل روندها دارد	محرک پایدار	15	16	R4
بیشتر تحت تأثیر روندهای دیگر است	پاسخ‌گو	13	11	R5
تأثیرگذاری و تأثیرپذیری پایین و متعادل	خنثی/میانی	11	11	R6
تأثیرپذیر ولی همچنان اثرگذار بر تحولات اجتماعی	حساس/پاسخ‌گو	13	14	R7
وزن راهبردی بالا در تحولات منطقه‌ای	متقابل کلیدی	15	15	R8

جمع بندی تحلیلی

- محرک های کلیدی (R4, R1) روندهایی هستند که سایر روندها را به شدت تحت تأثیر قرار می دهند و نقش راهبردی در سناریوسازی دارند.
- متقابل های کلیدی (R8, R2) در مرکز شبکه ای از کشش و واکنش ها قرار دارند و در پویایی سیستم مؤثرند.
- روندهای پاسخ گو یا حساس (R7, R5) بیش از آنکه اثرگذار باشند، از سایر روندها تأثیر می گیرند.
- روندهای میانی (R6, R3) نقش پشتیبان دارند و اهمیت تحلیلی متوسط دارند.

ماتریس تأثیر متقابل رویدادها در روابط ایران و عربستان

جدول فهرست رویدادهای کلیدی

کد	عنوان رویداد	شرح مختصر
E1	مرگ یا کناره گیری محمد بن سلمان	احتمال تغییر در سیاست خارجی عربستان
E2	بازگشت ایران به توافق جامع هسته ای	کاهش تحریم ها، افزایش مشروعیت بین المللی ایران
E3	جنگ فراگیر میان اسرائیل و حزب الله/حماس	افزایش تنش در محور مقاومت و فشار بر عربستان
E4	بحران اقتصادی شدید در ایران	افزایش رفتار تهاجمی یا مصلحت جویانه در سیاست خارجی
E5	نزدیکی چین به یکی از طرفین	تغییر موازنه منطقه ای در راستای بلوک شرق
E6	فروپاشی دولت در یکی از کشورهای بحران خیز	افزایش مداخله مستقیم ایران یا عربستان
E7	تقابل نظامی مستقیم ایران و عربستان	نقطه اوج بدترین سناریو در روابط دو جانبه
E8	امضای توافق امنیتی میان ایران و عربستان	نشانه گذار به سمت همکاری و کاهش بی اعتمادی

ماتریس تأثیر متقابل رویدادها

از/به	E1	E2	E3	E4	E5	E6	E7	E8
E1	-	1	2	2	1	2	2	1
E2	1	-	1	1	2	1	1	3
E3	2	1	-	2	1	3	3	1
E4	2	1	2	-	1	2	3	1
E5	1	2	1	1	-	2	2	2
E6	2	1	3	2	2	-	3	1
E7	1	1	3	2	2	3	-	1
E8	1	3	1	1	2	1	1	-

تحلیل امتیازهای تأثیرگذاری و تأثیرپذیری

رویداد	تأثیرگذاری کل	تأثیرپذیری کل	تفسیر
E1	11	10	محرک تغییر ساختار سیاسی عربستان
E2	10	13	رویدادی کلیدی در کاهش تنش
E3	13	13	نقطه تهدید مشترک و بازدارنده
E4	12	11	عامل بی ثباتی سیاست خارجی ایران
E5	11	11	عامل جابه جایی موازنه منطقه ای
E6	15	14	رویداد بحرانی و شتاب دهنده تنش ها
E7	13	15	سناریوی فاجعه و نقطه اوج واگرایی
E8	11	10	سناریوی خوش بینانه همکاری

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

E6 (فروپاشی دولت‌های ضعیف) و E7 (درگیری نظامی مستقیم ایران و عربستان) بیشترین میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری را دارند و محور اصلی سناریوهای منفی و بدبینانه محسوب می‌شوند. E3 (جنگ فراگیر اسرائیل و حزب‌الله/حماس) رویدادی است که می‌تواند گسل‌های منطقه را فعال کند و احتمال وقوع واکنش‌های زنجیره‌ای را بالا ببرد. در مقابل، E2 (بازگشت ایران به توافق هسته‌ای) و E8 (توافق امنیتی میان ایران و عربستان) نقش مهمی در کاهش تنش‌ها و حرکت به سمت همکاری و ثبات ایفا می‌کنند.

ماتریس تأثیر متقابل روندها و رویدادها در آینده پژوهی روابط ایران و عربستان

این ماتریس با هدف تحلیل تأثیر متقابل روندهای بلندمدت و رویدادهای ناگهانی در روابط ایران و عربستان طراحی شده است. این تحلیل کمک می‌کند تا بتوان بر اساس همافزایی یا تضاد میان آنها، سناریوهای محتمل آینده را در سطح ژئوپلیتیکی منطقه جنوب غرب آسیا تدوین کرد.

معیار امتیازدهی

۰: بدون تأثیر؛ ۱: تأثیر ضعیف؛ ۲: تأثیر متوسط؛ ۳: تأثیر قوی

ماتریس تأثیر روندها بر رویدادها

روند \ رویداد	E1	E2	E3	E4	E5	E6	E7	E8
R1	2	1	3	2	2	2	3	1
R2	1	2	1	1	3	1	2	2
R3	2	1	3	1	1	1	2	1
R4	2	2	1	1	2	1	1	3
R5	1	3	2	3	2	2	2	1
R6	3	1	1	1	1	1	1	2
R7	2	2	2	2	2	2	2	3
R8	1	3	1	1	2	1	1	3

تحلیل مجموع امتیاز تأثیر روندها بر رویدادها

کد روند	جمع امتیاز	نتیجه تحلیلی
R1	16	عامل تعیین‌کننده وقوع رویدادهای بحرانی

نتیجه تحلیلی	جمع امتیاز	کد روند
تقویت‌کننده موازنه‌سازی نرم و دیپلماسی بحران	13	R2
محرک واگرایی امنیتی و تهدید ایران	12	R3
کاهنده تنش، محور همکاری احتمالی	13	R4
منشأ بی‌ثباتی در روابط و سناریوهای منفی	16	R5
تسهیل‌گر نرم همکاری ایدئولوژیک	11	R6
عامل کلیدی در شکل‌گیری سناریوهای اجتماعی و سیاسی	17	R7
کاتالیزور حرکت به سمت سناریوهای مثبت	13	R8

نتیجه‌گیری برای طراحی سناریوها

-روندهایی مانند R1، R5، R7 بیشترین تأثیر را بر وقوع رویدادهای کلیدی دارند و در سناریوهای بحرانی نقش اصلی دارند.

- روندهای R2، R4 و R8 نقش تسهیل‌گر برای شکل‌گیری سناریوهای همکاری و کاهش تنش را دارند. بر اساس این ماتریس می‌توان سناریوهای ترکیبی ساخت، مانند:
- تداوم R1 و R3 ممکن است منجر به E7 (درگیری نظامی) شود.
 - تداوم R2 و R8 ممکن است به E8 (توافق امنیتی) بینجامد.

سناریوهای آینده‌پژوهی روابط ایران و عربستان

این سند بر اساس ماتریس‌های روندها و رویدادهای تأثیرگذار بر روابط ایران و عربستان تهیه شده و شامل چهار سناریوی مطلوب، محتمل، مرجح و نامطلوب است.

سناریوی مطلوب: همکاری راهبردی و تثبیت امنیت منطقه‌ای

ویژگی‌ها:

- شکل‌گیری توافق امنیتی (E8)
- تضعیف بنیادگرایی در عربستان (R6)
- تقویت دیپلماسی منطقه‌ای (R8)
- نقش چین و روسیه در کاهش تنش (R2)

نتایج:

- حل سیاسی بحران یمن
- کاهش رقابت نیابتی
- همگرایی اقتصادی
- شکل‌گیری مکانیسم امنیتی منطقه‌ای

سناریوی محتمل: رقابت مدیریت‌شده با نقاط همکاری محدود

ویژگی‌ها:

- تداوم رقابت ژئوپلیتیکی با پرهیز از تقابل مستقیم
- فشار افکار عمومی برای کنترل بحران (R7)
- کاهش نفوذ آمریکا (R1)

رویدادها:

- فروپاشی محدود (E6)
- جنگ نیابتی مقطعی (E3)
- گفت‌وگوهای دیپلماتیک غیررسمی

نتایج:

- همزیستی توأم با بی‌اعتمادی
- همکاری موضوعی در برخی حوزه‌ها

سناریوی مرجع (از دید ایران): کاهش تنش همراه با تقویت موقعیت منطقه‌ای

ویژگی‌ها:

- بازگشت ایران به برجام (E2)

- حفظ روابط با چین (R2)

- نیاز عربستان به ثبات (R4)

نتایج:

- توسعه دیپلماسی اقتصادی

- همکاری در پرونده‌های منطقه‌ای

- بهبود تصویر ایران در منطقه

سناریوی نامطلوب: درگیری نظامی مستقیم و بی‌ثباتی فراگیر

ویژگی‌ها:

- کاهش نقش دیپلماسی (-R8)

- همکاری امنیتی عربستان با اسرائیل (R3)

- بحران اقتصادی در ایران (E4)

- تقابل مستقیم نظامی (E7)

نتایج:

- فروپاشی دولت‌های نیابتی

- بحران انرژی جهانی

- مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای

جدول مقایسه‌ای سناریوها

نوع سناریو	واگرایی / همگرایی	سطح تنش	موقعیت ایران	نقش چین/آمریکا
مطلوب	همگرایی مثبت	پایین	تقویت شده	میانجی / متوازن
محتمل	رقابت کنترل شده	متوسط	نیمه محدود	فعال / متغیر
مرجح (ایران)	کاهش تنش فعال	کم	تقویت شونده	وزنه به نفع ایران
نامطلوب	واگرایی شدید	بالا	تضعیف شده	محرک واگرایی

برنامه‌ریزی سناریویی روابط ایران و عربستان

در فرآیند آینده‌پژوهی روابط ایران و عربستان، مرحله تجویز و اقدام به‌عنوان گام نهایی، بر طراحی سیاست‌هایی تمرکز دارد که امکان بهره‌برداری از سناریوهای مثبت را افزایش داده و در مقابل، از بروز سناریوهای منفی جلوگیری یا خسارات آن را کاهش دهد. بر این اساس، چهار سناریوی اصلی شامل «مطلوب»، «محتمل»، «مرجح از دید ایران» و «نامطلوب» در نظر گرفته شده‌اند. اقدامات تجویزی زیر متناسب با هر سناریو پیشنهاد می‌شود:

سناریوی مطلوب: همکاری راهبردی و تثبیت امنیت منطقه‌ای

در این سناریو، روابط ایران و عربستان وارد مرحله‌ای از همگرایی مثبت و پایدار می‌شود. اقدامات مناسب برای تقویت و حفظ این وضعیت، شامل طراحی نقشه راه روابط دوجانبه و انعقاد تفاهم‌نامه‌های چندمرحله‌ای است که به‌صورت تدریجی به سوی امنیت جمعی منطقه‌ای سوق یابد. از نظر رسانه‌ای، راه‌اندازی کانال‌های گفت‌وگو میان نخبگان مذهبی، فرهنگی و دانشگاهی دو کشور می‌تواند اعتمادسازی بلندمدت را تقویت کند. در سطح نظامی و امنیتی، پیشنهاد ایجاد سازوکار امنیت منطقه‌ای با الگوگیری از ترتیباتی مانند آ.سه.آن، یکی از راهبردهای مؤثر است. همچنین، آغاز پروژه‌های مشترک اقتصادی، به‌ویژه در حوزه انرژی در خلیج فارس، بستری برای منافع متقابل فراهم می‌آورد که همگرایی را نهادینه می‌کند.

سناریوی محتمل: رقابت مدیریت‌شده با همکاری محدود

در این وضعیت، اگرچه رقابت میان ایران و عربستان ادامه دارد، اما طرفین از درگیری مستقیم پرهیز می‌کنند و سطحی از همکاری‌های موضوعی برقرار می‌شود. برای مدیریت چنین فضایی، باید کانال‌های ارتباطی رسمی و غیررسمی حفظ شوند. کشورهایی مانند عمان یا عراق می‌توانند نقش میانجی‌گر را ایفا کنند. از منظر اطلاعاتی و رسانه‌ای، پایش و تحلیل پیوسته رسانه‌های سعودی و منطقه‌ای برای جلوگیری از جنگ‌های روایی و تخریب تصویر طرف مقابل، ضروری است. همچنین، نیروهای نظامی باید از هرگونه اقدام تحریک‌آمیز در مناطق حساس مانند یمن و سوریه اجتناب کنند. در این فضا، اجرای دیپلماسی عمومی هدفمند می‌تواند به کاهش تنش در افکار عمومی دو ملت کمک کند.

سناریوی مرجع از دید ایران : کاهش تنش و تقویت موقعیت منطقه‌ای ایران

این سناریو از منظر جمهوری اسلامی ایران، گزینه‌ای بهینه به‌شمار می‌رود؛ چرا که ضمن کاهش تنش با عربستان، امکان تثبیت و ارتقای نقش منطقه‌ای ایران را فراهم می‌سازد. اقدامات کلیدی در این وضعیت شامل استفاده از توافق هسته‌ای (برجام) به‌عنوان ابزار چانه‌زنی برای برقراری اعتماد با عربستان است. همچنین مشارکت فعال در پروژه‌های بازسازی در سوریه و عراق، با حضور سرمایه‌گذاران عربی، جایگاه ایران را در بازیابی منطقه‌ای افزایش می‌دهد. در بعد انرژی و فناوری، توسعه زیرساخت‌های انتقال برق، گاز و خطوط ارتباطی با مشارکت منطقه‌ای می‌تواند نقش ایران را به‌عنوان پل ارتباطی آسیای غربی تثبیت کند. برای تقویت این تصویر در سطح عمومی، ایران باید از ابزارهای دیپلماسی نرم برای بهبود چهره خود در رسانه‌های عرب‌زبان بهره‌گیرد.

سناریوی نامطلوب : درگیری نظامی مستقیم و بی‌ثباتی شدید

در این سناریو، روابط به سمت تشدید تنش و احتمال درگیری نظامی یا بحران‌های چندجانبه پیش می‌رود. در این وضعیت، واکنش‌ها باید عمدتاً بازدارنده و اضطرابی باشد. تقویت سامانه‌های دفاع هوایی، پدافندی و توان موشکی در جنوب کشور و جزایر خلیج فارس، اقدام پیش‌دستانه‌ای برای پیشگیری از تهاجم یا درگیری مستقیم است. از منظر دیپلماتیک، فعال‌سازی فوری کانال‌های ارتباطی با میانجی‌هایی چون چین، عمان یا سازمان ملل، ضروری خواهد بود. در بعد اطلاعاتی، مقابله با عملیات روانی و سایبری دشمنان با استفاده از سامانه‌های هشدار سریع و پاسخ متقارن باید پیگیری شود. همچنین باید آمادگی کامل برای مدیریت بحران‌های انسانی ناشی از جنگ، از جمله آوارگی، تلفات و پناهجویی وجود داشته باشد.

واکنش مناسب به سناریوهای چهارگانه، نیازمند رویکردی ترکیبی از اقدامات پیش‌برنده، تطبیقی، تقویت‌کننده یا بازدارنده است. سناریوی مطلوب، نیازمند حرکت فعال در جهت تقویت همکاری و ساخت نهادهای منطقه‌ای است؛ در حالی که سناریوی محتمل، واکنش تطبیقی و سنجیده را می‌طلبد. سناریوی مرجع، تمرکز ایران بر تقویت مؤلفه‌های نرم قدرت، دیپلماسی اقتصادی و استفاده از مزیت‌های ژئوپلیتیکی را ایجاب می‌کند. در مقابل، سناریوی نامطلوب مستلزم آمادگی کامل برای واکنش بازدارنده، کاهش آسیب و حفظ ثبات داخلی در مواجهه با بحران است.

فهرست منابع

- Abolhasan Shirazi, Habibollah. 2015. Measuring the Impact of Competition on Proxy Wars between Iran and Saudi Arabia. Quarterly Journal of Islamic World Political Research. Fifth Year, No. 1.
- Ali Akbarpour, Reza, Keshishian Siraki, Garineh. 2020. The Evolution of the Concept of Power in Iran's Regional Policy during the Eleventh Government (A Reading of Saudi Arabia's Reaction to It). Scientific Journal of Global Politics, Ninth Period, No. 1.
- AP News. (2023). *Iran and Saudi Arabia are among 6 nations set to join China and Russia in the BRICS economic bloc*. Retrieved from <https://apnews.com/article/b5900168d165cc78b36d5d5c068b7a50>
- Asadi, Ali Akbar. 2010. "Realism and Rival Approaches to Foreign Policy". Rahbord Quarterly, Nineteenth Year, No. 56, pp. 223-252.
- Bayat, Jalil, Eslami, Mohsen. 2018. Iran-Saudi Arabia; Designing a De-escalation Model Focused on Regional Conflicts. Quarterly Journal of Strategic Public Policy Studies, Eighth Period, No. 28.
- Bell, W. (2003). Foundations of Futures Studies: History, Purposes, and Knowledge, Transaction Pub.
- Blanchard, C. M. (2013). Saudi Arabia: Background and U.S. Relations. Congressional Research Service. p.27
- Crisis Group. (2023). *Great Expectations: The Future of Iranian-Saudi Détente*. Retrieved from <https://www.crisisgroup.org/middle-east-north-africa/gulf-and-arabian-peninsula/iran-saudi-arabia/b92-great-expectations-future>
- Ebrahimi, Shahrouz, Mohammad Reza Salehi and Mehdi Parsaei. 2012. A Study of US and Saudi Reactions to the Popular Uprising in Bahrain 2011-2012. Quarterly Journal of Political and International Research. No. 10.
- Ehteshami, A., & Zweiri, M. (2007). Iran and the Rise of Its Neoconservatives: The Politics of Tehran's Silent Revolution. I.B. Tauris.
- Ekhtiari Amiri, Reza and Kalhori, Jalal. "Changes in Saudi Arabia's Foreign Policy and the Revival of Relations with Iran (1400-1403)". Foreign Relations Quarterly, Vol. 16, No. 4, Winter 1403, pp. 221-246.
- Escobar Stemann, Juan José ,Arana ,Gonzalo 2023, Saudi Arabia and Iran in the Shadows of a Regional War, Project on Europe and the Transatlantic Relationship, Belfer Center for Science and International Affairs, Harvard Kennedy School 79 JFK Street ,Cambridge, MA 02138,
- Gause, F. G. (2014). Beyond Sectarianism: The New Middle East Cold War. Brookings Doha Center.
- Floyd, J. (2012). «Action research and integral futures studies: A path to embodied foresight.» Futures 44(10): 870-882
- Fuller, Graham. 1994. Qibla-e Alam, translated by Abbas Mokhber. Tehran: Nashr-e Markaz.
- Katzman, K. (2019). Iran: Internal Politics and U.S. Policy and Options. Congressional Research Service. p.18
- Koohkan, Alireza, Tajari, Saeed. 2014. The Syrian Crisis and Saudi Arabia's Regional Policy 2011-2014. Quarterly Journal of Strategic Policy Research, Third Year, No. 10.
- Maleki Far, Aghil and colleagues. 2009. Alphabet of Futures Studies. Tehran: Andishkadeh Asef Publications.

- Mabon, Simon, 2019, Introduction: Saudi Arabia, Iran and the struggle to shape the Middle East The Foreign Policy Centre, Coprortion of New York, November 12, 2018
- Mousavinia, Seyed Reza. 2019. "Futures Studies (Continuation of the Present Model) and the Application of International Relations Theories". Scientific Quarterly of Political and International Approaches, Eleventh Period, No. 1, Consecutive 59.
- Nejat, Seyed Ali, Seyedeh Razieh Mousavi and Mohammad Reza Saremi. 2016. The Strategy of Saudi Arabia and the Islamic Republic of Iran Regarding the Yemen Crisis. Quarterly Journal of International Relations Studies, Ninth Year, No. 33.
- Niakoui, Seyed Amir; Safari, Asgar; (2017). "Different Nuclear Strategies of Iran; An Explanation from the Perspective of Neoclassical Realism". Global Politics Quarterly, Sixth Period, Second Issue, pp. 85-121
- Tali Rachel Grumet, 2015, New Middle East Cold War: Saudi Arabia and Iran's Rivalry, A Thesis Presented to The Faculty of the Joseph Korbel School of International Studies University of Denver, This thesis is available at Digital Commons @ DU: <https://digitalcommons.du.edu/etd/1028>.
- The Guardian. (2025). *Iran proposes partnership with UAE and Saudi Arabia to enrich uranium*. Retrieved from <https://www.theguardian.com/world/2025/may/13/iran-proposes-partnership-with-uae-and-saudi-arabia-to-enrich-uranium>
- Saei, Ahmad, Alikhani, Mehdi. 2013. A Study of the Conflict Cycle in the Relations between the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia with an Emphasis on the 2005-2013 Period. Quarterly Journal of Political Science, Ninth Year, No. 22.

